

فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۴، شماره ۱ (پیاپی ۴۶)، بهار ۱۳۹۸
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۵X-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۳۵-۵۳

تحلیل ساختمان جمعیت بر اساس سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان ارومیه

علی اکبر تقیلو* - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
علی اکبر عنابستانی - استاد گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
رضا خسرو بیگی - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه سبزوار، سبزوار، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۷

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی نحوه توزیع شاخص‌های جمعیتی بر اساس سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان ارومیه است. همچنین ساختار جمعیتی نواحی روستایی را بر اساس ظرفیت‌های محیطی مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های توصیفی، تحلیلی و تطبیقی بکار گرفته شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات، روش اسنادی بوده و از مرکز آمار، تصاویر ماهواره‌ای و اسناد و آمار اطلاعات منابع طبیعی و کشاورزی جمع‌آوری شده است. به منظور سنجش سطح توسعه یافتگی نواحی روستایی از مدل‌های تاپسیس و مدل تحلیل خوشه‌ای و برای تحلیل شاخص‌های جمعیت نیز از ضریب جینی و شاخص نابرابری استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های جمعیتی در بین روستاهای پراکنده در خرده نواحی اکولوژیک توزیعی متفاوت تر نسبت به نواحی توسعه‌ای دارند. ضریب جینی تمام شاخص‌های جمعیتی نواحی اکولوژیک بغیر از شاخص تراکم جمعیت را یکسان نشان می‌دهد و ضریب جینی نواحی توسعه‌ای، رشد جمعیت و میانگین جمعیت روستاها را نابرابر نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: ساختمان جمعیت، ناحیه اکولوژیک، ناحیه توسعه‌ای، نابرابری، توزیع جمعیت، شهرستان ارومیه

نحوه استناد به مقاله:

تقیلو، علی‌اکبر، عنابستانی، علی‌اکبر، خسرو بیگی، رضا. (۱۳۹۸). تحلیل ساختمان جمعیت بر اساس سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان ارومیه. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۴(۱)، ۳۵-۵۳. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_665121.html

مقدمه

کاهش جمعیت روستایی مسئله مهمی است که اذهان برنامه‌ریزان و کارشناسان را به خود مشغول داشته است. اما مسئله دیگری که وجود دارد مسئله توزیع جمعیت است که بازتاب عملکرد سیستم مدیریتی فضایی توسعه و شرایط منابع طبیعی است. آنچه امروزه جدای از کاهش جمعیت روستایی بایستی به آن توجه نمود مسئله ساختار جمعیت روستایی است. آنچه مسلم است روستاها توان نگهداشت جمعیت بیشتر را با شرایط اقتصادی مبتنی بر کشاورزی وضع موجود نخواهند داشت مگر اینکه گام مهم و اساسی در صنعتی کردن و متنوع سازی اقتصاد روستاها برداشته شود. مسئله‌ای که وجود دارد به هم خوردن تعادل ساختار درونی جمعیت روستاها است که نتیجه تحولات دینامیکی مهاجرت، رشد طبیعی جمعیت و غیره است که ساختار درونی جمعیت روستایی را بهم زده و مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را برای روستاها بوجود آورده است. امروزه مسأله توزیع جمعیت و پراکندگی آن در سطح خاک، درکانون توجه برنامه‌ریزان در فرآیند برنامه‌ریزی‌های توسعه ملی قرار گرفته است. با ظهور کلانشهرها و مناطقی با تراکم جمعیتی بالا، لزوم توجه به پراکندگی جمعیت و تجزیه و تحلیل آن جدی تر شد، چرا که در مناطق با تراکم بالای جمعیت، الگوی برنامه و نظام برنامه‌ریزی متفاوت از مناطقی است که در آن‌ها تراکم جمعیت پایین و یا بسیار پایین است. از نظر توزیع جغرافیایی جمعیت در مناطق و نواحی مختلف نوعی ناهماهنگی و عدم تعادل وجود دارد، این ناهماهنگی و عدم تعادل حتی در محدوده‌های روستایی نیز به چشم می‌خورد (Gasemi, 2015: 5). تحقیق حاضر سعی دارد نحوه توزیع و پراکندگی عناصر ساختار جمعیت روستایی را در نواحی خرد شهرستان ارومیه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

با توجه به تنوع منابع اکولوژیک و نحوه توزیع آن در جغرافیایی روستایی شهرستان ارومیه بازتاب جمعیتی متفاوتی در عرصه‌های روستایی گذاشته است. از سوی دیگر خشک شدن دریاچه ارومیه و اثرات آن بر اقتصاد روستاهای ساحلی، تغییر تحولات جمعیتی زیادی در آن‌ها رخ داده و مطالعه تحولات و ساختار جمعیت را برای برنامه‌ریزی الزام بخشیده است (Azizpuor & et al., 2017).

آمایش سرزمین، به نوعی متوازن ساختن تقاضای توسعه با الزامات حفظ زیست محیطی و دستیابی به اهداف اجتماعی و اقتصادی مورد نظر دولت‌ها است. بر این اساس، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، تلاش برای انجام اقداماتی هماهنگ، برای دستیابی به توزیع بهینه‌ای از توسعه اقتصادی و اجتماعی میان مناطق مختلف یک سرزمین دارد. به عبارت دیگر، آمایش سرزمین یا برنامه ریزی سرزمین، نوعی برنامه‌ریزی است که به سرزمین به عنوان عاملی اساسی و تعیین کننده در تأمین اهداف توسعه توجه می‌کند (Zamani, 2009: 111). لذا آگاهی از ترکیب جمعیت و نحوه توزیع آن در هر کشوری نقش تعیین کننده‌ای در رشد و توسعه همه جانبه آن دارد توزیع تراکم جمعیت یک پدیده مهم فضایی است به جهت اینکه پراکندگی انسان، املاک اراضی و زمین جدا از هم نیستند و نحوه ارتباط همدیگر را بیان می‌کنند (Smailes et al., 2002: 386) و دولت‌ها با اتکا به این روابط قادرند برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی خود را طراحی نمایند. با بررسی ویژگی‌های کمی و کیفی جمعیت ساکن در یک منطقه، می‌توان ساختار برنامه‌ریزی برای آن منطقه را تعیین نمود و با در نظر گرفتن شاخص‌های جمعیتی در برنامه‌ریزی، بر موفقیت برنامه‌ریزی‌های توسعه سرزمین افزود (Verasati et al., 2012: 150; Tehrani, 2002: 15) و برنامه‌ریزی دقیق و توزیع بهینه و متعادل خدمات و زیرساخت‌های توسعه در عرصه‌های جغرافیایی در توزیع متعادل جمعیت روستایی کمک خواهد کرد. به عبارتی توزیع بهینه خدمات و امکانات به گونه‌ای هدایت شود که به نفع همه اقشار و گروه‌های اجتماعی جامعه گردد، و عدالت اجتماعی و فضایی تحقق یابد (Zarabi & Mousavi, 2010: 30). لازمه برنامه‌ریزی دقیق و اثر بخش، شناخت ویژگی‌های ناحیه خصوصاً ویژگی‌های جمعیتی است زیرا هر برنامه‌ای که برای توسعه نواحی انجام می‌گیرد برای جمعیت و افزایش سطح رفاه آن است و شناخت ویژگی‌های جمعیت از نظر پراکندگی، اشتغال، سطح سواد، ترکیب جنسی و سنی جمعیت از الزامات موفقیت برنامه توسعه روستایی است. پراکندگی جمعیت در فضای جغرافیایی، از دو بُعد قابل بررسی است؛ یکی پراکندگی جمعیت در واحد سطح و دیگری استقرار جمعیت در نقاط روستایی که برای درک سازمان فضایی و الگوی استقرار جمعیت روستایی ضروری است. برای شناخت نحوه و علل توزیع فضایی متوازن یا نامتوازن عناصر جمعیت شناخت ویژگی‌های مکانی نظیر توان اکولوژیک، موقعیت روستاها و سطح توسعه خدمات اجتماعی و اقتصادی دارای اهمیت است زیرا توزیع فضایی جمعیت و چگونگی آن در سال‌های آینده تابع تاثیرگذاری عوامل مختلف جغرافیایی مانند ارتفاع و شیب، حاصلخیزی و وسعت خاک، منابع آب، برخورداری از پوشش گیاهی، عوامل فرهنگی، اشتغال، فعالیت و نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات و مدیریت و

سیاستگذاری‌های نظام حکومتی است (Molaie Hashjin, 2007). همچنین توزیع و باز توزیع فضایی جمعیت یک کشور به طور جدایی ناپذیری به تغییرات اقتصادی و سازمان‌های سیاسی مرتبط است (Brown & Schafft, 2002: 233).

آنچه از اصطلاح توزیع جمعیت بر می‌آید، مطالعه جمعیت در سرزمین در تقسیمات اکولوژیکی و مدیریتی توسعه است. از این رو مطالعه توزیع جمعیت باید به بیان تباین‌های موجود در نقاط مختلف بپردازد و انبوهی جمعیت در نقاط و فضاهای کم جمعیت در نقطه دیگر را مدنظر قرار دهد (Zanjani, 2010) و تاثیر عوامل طبیعی مانند آب، خاک، پوشش گیاهی (Yasouri, 2008: 22)، مدیریت توسعه و موقعیت جغرافیایی روستایی را در ساختمان جمعیت روستایی از لحاظ، تراکم، نسبت سنی، نسبت جنسی، بار تکفل، نرخ باسوادی، نرخ اشتغال و رشد جمعیت مورد تحلیل قرار دهد. بنابراین تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سوال است که آیا عناصر ساختمان جمعیتی روستاهای شهرستان ارومیه در نواحی مختلف بصورت نابرابر توزیع یافته است؟

البته باید توجه داشت که ساختارهای جمعیتی در طول زمان دچار تغییر می‌شوند. برخی از جمعیت‌ها دارای ساختی جوان هستند در این گونه جمعیت‌ها حداقل ۴۰ درصد افراد در سنین زیر ۱۵ سالگی قرار دارند و نسبت جمعیت ۶۵ ساله به بالای آن‌ها از ۳ یا ۴ درصد تجاوز نمی‌کند که معمولاً اکثر کشورهای در حال توسعه دارای چنین ساختاری هستند (Gasrian, 2009: 7). ساختار سنی جمعیت در بسیاری از کشورهای دنیا، اساس برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی را تشکیل داده، زیر غالب طرح‌ها و برنامه‌هایی را که کشورها به اجرا در می‌آورند متأثر از این ساختار می‌باشد و جوانان موقعیت حساس و نقش کلیدی در آینده روستاها بخصوص روستاهای دور افتاده دارند زیرا بدون تجدید درونی جمعیت این سکونتگاه‌ها پایدار نبوده و توسعه اقتصادی این سکونتگاه‌ها نیز به وجود جمعیت جوان آن وابسته است (Muilu & Rusanen, 2003: 295). لذا عدم توجه به ساختار سنی در نحوه توزیع آن در فضای جغرافیایی چیزی جز اتلاف سرمایه و زمان که هر دو در فرایند توسعه نقش‌های زیربنایی دارند، نخواهد داشت (Nazari, 2003).

بحث دیگری که در مطالعات جمعیتی باید به آن توجه نمود ترکیب جنسی جمعیت است. هدف از بررسی ترکیب جنسی جمعیت تشخیص فزونی یک از دو جنس بر دیگری است زیرا برتری و فزونی یکی از آن‌ها نتایج دموگرافیک نامشابهی بوجود می‌آورد (Javan, 2001: 134). نسبت جنسی از عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متأثر می‌شود و خود نیز مسائل اجتماعی و اقتصادی خاصی را بوجود می‌آورد زیرا مردان و زنان نیازها و خواسته‌ای متفاوتی دارند بنابراین مطالعه نحوه توزیع آن‌ها در فضای جغرافیایی برنامه‌های خاصی را می‌طلبد که شناخت الگوهای توزیع آن به برنامه‌ریزان برای برنامه‌ریزی بهتر کمک خواهد کرد. از ویژگی‌های دیگر جمعیت که در مطالعات جمعیت شناختی دارای اهمیت باشد نرخ اشتغال، نرخ تکفل و نرخ با سوادی است که وضعیت اقتصادی خانوارها را تعیین می‌کند و از تاثیر گذارترین شاخص‌های جمعیتی است که نحوه پراکندگی آن‌ها سطح توسعه روستاها را نیز تبیین می‌کند.

به موازات تغییر در اصول و مفاهیم تئوری‌های جریان عمده‌ی توسعه (به ویژه نوسازی) در دهه‌های اخیر از جمله تغییر؛ از اصل کارکردگرایی به سرزمین‌گرایی، از اصل نوسازی استاندارد به تکثرگرایی فرهنگی و از اصل رشد اقتصادی به پایداری اکولوژیکی، شیوه‌ی تحلیل جمعیت و تعاملات آن با پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متحول شد. فرایند این تغییرات را می‌توان از تئوری انتقال جمعیت به رژیم‌های جمعیتی، از تبیین‌های ساختاری به تحلیل‌های نهادی و از تحلیل در قالب نظریه‌های رفتار منطقی و عقلانیت آگاهانه به تأکید بر هویت و عقلانیت ناآگاهانه مشاهده و تشریح کرد (Mirzaie el al., 2012).

اصل کارکردگرایی و جمعیت: یکی از مسائل مورد علاقه‌ی کارکردگرایان تحلیل چیزهایی، ساختارها و به ویژه کارکردهاست که یک نظام اجتماعی برای بقای خود به آن‌ها نیاز دارد به نظر طرفداران آن جامعه، کل همبسته‌ای است که در آن هر بخش، کارکردهای خاصی را عهده دار و بر مبنای این کارکردها انسجام و نظم اجتماعی آن بخش را تأمین می‌نماید (Rabbani et al., 2011) بر همین اساس توزیع جمعیت در فضاهای جغرافیایی از اصل توزیع کارکردهای جامعه پیروی می‌کنند. به طوری که امروزه بسیاری از جامعه‌شناسان و جغرافیدانان تحرک مکانی جمعیت را بر اساس توزیع و پخش کارکردهای اجتماعی در جامعه تبیین می‌کنند (Papoli Yazdi & Ebrahimi, 2003).

نوسازی و جمعیت: اصل نوسازی براساس نظریات نوسازی در سطح کلان اجتماعی و سطح خرد روانشناختی، روند توزیع و ازدیاد جمعیت کشورهای توسعه نیافته را می‌توان عدم نوسازی، تفکیک ساختاری و وجود ساختارهای سنتی و کارکردهای مختلف فرهنگی و روانی دانست که جامعه را از حالت تعادل خارج کرده و شرایط را برای افزایش بیش از حد جمعیت فراهم آورده است و

راه حل اساسی، پذیرش ساختارهای مدرن و طی فرایند تکاملی کشورهای پیشرفته‌ای است که با حذف متغیرهای سنتی در آن، میتوان شرایط را برای تعادل دوباره جمعیتی برقرار ساخت (Heydari et al., 2015).

پایداری اکولوژیکی و جمعیت: رابطه پارادایم توسعه پایدار و جمعیت بیشتر در حوزه رشد آن مطرح شده است. جمعیت و توسعه پایدار رابطه معناداری با هم دارند. در این خصوص با سه نظریه طرفداران رشد و ازدیاد جمعیت، مخالفان رشد جمعیت، هواداران جمعیت ثابت مواجه می‌باشیم. بسیاری از اندشمندان معتقدند که تعادل بین جمعیت، منابع و فرآیند توسعه نه تنها نیازهای مادی و معنوی اعضاء جامعه تأمین می‌شود، بلکه خوشبختی نسل‌های آتی نیز با استفاده بهینه از محیط زیست و پایداری فرآیند توسعه مد نظر باشد (Etaat, 2011).

تئوری انتقال جمعیت: بر اساس تئوری انتقال جمعیتی مبتنی بر موضوعات زیر است: الف) همه جمعیت‌ها در گذشته سطح بالایی از مرگ و میر و سطح بالایی از زاد و ولد و میزان رشد ناچیز داشتند. ب) بعد از انقلاب صنعتی، مرگ و میر بطور اساسی و مستمر کاهش یافت و زمان شروع کاهش مرگ و میر در مناطق و کشورهای مختلف متفاوت بود. ج) به دنبال کاهش مرگ و میر و با فاصله‌ای متفاوت در توسعه کشورها و مناطق مختلف باروری نیز رو به کاهش می‌گذارد (Seyed Mirzaie, 2011).

نهادگرایی و جمعیت: یکی از مهمترین عوامل موثر در تحولات ساختمان جمعیت در روستاها نهادهای موجود در این سکونتگاه‌هاست. نهادهای خانواده، نهاد زمین داری، نهاد مذهب نهادهای اجتماع محلی از جمله نهادهای تاثیر گذار در تحولات جمعیت است (Mirzaie et al., 2005). منظور از تحولات جمعیت شناختی درون نهاد خانواده، آن دسته از تحولات است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با بعد و اندازه خانوار، تعداد فرزندان و زاد و ولد، مرگ و میر، مهاجرت و ترک نهاد خانواده در ارتباط است. آنچه در این مطالعه مد نظر است تشریح تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم برنامه‌های مدرنیزاسیون بر ابعاد جمعیت شناختی مذکور است. یعنی مدرنیزاسیون جامعه چگونه در نهاد خانواده بازتابی شده است، از کدام مسیرها توانسته در خانواده تحول جمعیت شناختی ایجاد کند و به لحاظ کمیت و اندازه چه رد پایی از خود در نهاد خانواده به جای گذاشته است (Rezaie & et al., 2013).

نظریه‌های رفتار منطقی و عقلانیت آگاهانه و جمعیت: این گونه تبیین‌ها امروزه در قالب جمعیت‌شناسی اجتماعی یا جمعیت پژوهی به کار گرفته می‌شوند. جمعیت پژوهی حوزه‌ای میان رشته‌ای است که علاوه بر مطالعات جمعیت‌شناسی، شامل توصیف و تبیین دموگرافیک و غیردموگرافیک پدیده‌های جمعیت، مطالعه عوارض و پیامدهای غیردموگرافیک پدیده‌های جمعیتی را نیز در بر می‌گیرد. تبیین و تحلیل اجتماعی - فرهنگی جمعیت نیز به بررسی نقش فرهنگ، سبک زندگی و باورها و نگرش‌های مردم درباره تشکیل خانواده، زناشویی، باروری، فرزندآوری، و ... می‌پردازد و نیز به اینکه جمعیت با اثرپذیری از چه عوامل اجتماعی و فرهنگی افزایش یا کاهش می‌یابد. نوع تربیت خانوادگی، آداب و رسوم، باورهای مذهبی، سنت‌های قومی، فرهنگ بومی، الگوهای زیستی، اقتضائات محیطی و عناصر دیگری که در این خصوص دخالت و تأثیر دارند، حوزه مطالعاتی تحلیل اجتماعی جمعیت را تشکیل می‌دهند (Ashofte Tehrani, 2002).

در خصوص توزیع و پراکندگی جمعیت روستایی مطالعات چندی انجام یافته است و هر یک از آنها از منظر خاصی جمعیت روستایی را مورد بررسی قرار داده‌اند اکثر مطالعات انجام یافته در ارتباط با جمعیت روستایی، عمدتاً بر تحولات دینامیکی جمعیت متمرکز شده‌اند که به برخی از آنها همراه با نتایج آن در ادامه اشاره می‌شود.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

نام مولف	سال	عنوان	نتایج
احمد تقدیسی و محمدرضا بسحاق	۱۳۸۹	چالش‌های کشاورزی و تأثیر آن‌ها بر جمعیت روستایی	پراکندگی و کوچکی قطعات اراضی زراعی نقش بسیار مهمی در اتلاف منابع و کاهش درآمد روستائیان بازی می‌کند و این امر موجب کاهش جمعیت روستایی گردیده است.
لیوا و دیگران	۲۰۱۷	تغییر روند فزاینده شهرنشینی و حجم جمعیت روستایی چین در چند دهه گذشته	کل جمعیت روستایی پس از سال ۱۹۹۵ کاهش می‌یابد، و سپس روند صعودی را دنبال می‌کند. دوم، اختلافات فضایی تغییر جمعیت روستایی آشکار است
مویانگا و جاینه	۲۰۱۴	تأثیر افزایش تراکم جمعیت روستایی در کشاورزی کوچک در کنیا	بین سیستم‌های کشاورزی کنیا با تغییرات تراکم جمعیت و فشار زمین ارتباط وجود دارد.
پوتوسیان	۲۰۱۷	ویژگی‌های جغرافیایی و قوانین توسعه مناطق روستایی و شهرک‌ها در کشورهای کوهستانی	حوضه‌های رودخانه و دره‌های محصور شده با محدوده‌های کوهستانی به عنوان مبنایی برای توزیع جمعیت و شهرک‌ها در کشورهای کوهستانی محسوب می‌شوند.
یانگو دیگران	۲۰۱۶	تحلیل خصوصیات توزیع فضایی و بازسازی و بهینه‌سازی شهرک‌های روستایی چین طی روند سریع شهری شدن	بازسازی فضای باز بهینه‌سازی شهرک‌های روستایی کلیدی برای توسعه پایدار روستایی است. فاکتورهایی که بر توزیع شهرک‌های روستایی تأثیر گذاشت عبارتند از: فاصله متوسط تا جاده اصلی، ماشین‌آلات کشاورزی، تولید سرانه سرانه، زمین‌های سرزندگی، تراکم جمعیت، ارتفاع، بارش و غیره.
محسن شاطریان	۱۳۸۲	تحولات جغرافیایی و جمعیتی منطقه کاشان	تراکم جمعیت روستایی در مناطق با توان‌های طبیعی مطلوب بیشتر از مناطق خشک است.
احمد تقدیسی و محمد علی احمدی شاپور آبادی	۱۳۹۱	مهاجرت و سالخوردگی جمعیت روستایی	مهمترین چالش‌های توسعه روستایی از دیدگاه توسعه پایدار در ایران را مهاجرت نیروی انسانی از نواحی روستایی می‌داند.
احمدی و توکلی	۱۳۹۴	تحلیل حرکات مکانی جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان سردشت)	مهاجرت عمده‌ترین عامل و تغییر و تحول جمعیت در منطقه مورد نظر بوده است.
عناستانی و دیگران	۱۳۹۳	نقش دهیاری‌ها در پایدارسازی جمعیت روستایی	توسعه فرصت‌های شغلی در روستا توسط دهیاران بر ثبات جمعیت کمک می‌نمایند.
جواد مکانیکی	۱۳۸۰	تحولات و فرایند تخلیه جمعیت روستایی شهرستان بیرجند	روستاها شهرستان بیرجند از نظر رشد جمعیت ناهماهنگ و نامتوازن است.
مصطفی طالشی و مصطفی امیرفخریان	۱۳۹۱	الگوهای تحلیل فضایی جمعیت روستایی استان خراسان	گوی سکونت و جایگزینی فضایی از سکونتگاه‌های کوچک و متوسط به سکونتگاه‌های بزرگ امر اجتناب ناپذیر است.
آدرآباد و دیگران	۱۳۸۹	جریان‌های جمعیتی در شهرستان فیروزکوه	الگوی کلی حاکم بر شبکه سکونتگاهی شهرستان فیروزکوه الگوی فصلی، منظم و چرخه‌ای از جریان‌های جمعیتی است که در قالب الگوهای شبکه‌ای تابستانه و زمستانه در سطح محلی و منطقه‌ای مطرح است.

روش پژوهش

پراکندگی جمعیت در فضا از دو بعد پراکندگی جمعیت در واحد سطح و استقرار جمعیت در نقاط روستایی قابل بررسی است که برای درک سازمان فضایی و الگوی استقرار جمعیت روستایی یک منطقه ضروری است (Porahmad & Soltani, 2000: 88). تحقیق حاضر سعی می‌کند که نحوه توزیع و پراکندگی جمعیت را در نقاط روستایی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. روش تحقیق مبتنی بر تحلیلی - تبیینی و مقایسه‌ای است. این تحقیق توزیع و پراکندگی متغیرهای ساختمان جمعیت روستایی را در سطح روستاها، نواحی و بین ناحیه‌ای مورد تحلیل بررسی قرار داده است. لذا برای تحلیل، تبیین و مقایسه در شهرستان ارومیه دو نوع ناحیه بندی انجام یافت؛ ناحیه بندی براساس سطح توسعه یافتگی و ناحیه بندی بر اساس توان اکولوژیک. برای ناحیه بندی شهرستان ارومیه از نظر توان اکولوژیک، شاخص‌های همچون کیفیت خاک، میزان آب، نسبت شوری اراضی، پوشش گیاهی و الگوی کشت استفاده گردید سپس نحوه توزیع جمعیت و ویژگی‌های جمعیتی مانند؛ نرخ باسوادی، نرخ اشتغال، نسبت سنی، نسبت جنسی، بارتکفل و رشد جمعیت در روستاها بر اساس خرده نواحی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و ساختمان جمعیت روستایی از نظر پراکندگی در این نواحی مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفت.

برای ناحیه بندی شهرستان از نظر سطح توسعه یافتگی نواحی روستایی ۸۲ شاخص اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، اطلاعات، ارتباطات، انرژی و زیر بنایی مورد استفاده قرار گرفت و با استفاده از مدل چند معیاره تاپسیس سطح بندی شد و جهت تعیین سطح توسعه یافتگی نیز از مدل تحلیل خوشه‌ای استفاده گردید و روستاها از نظر توسعه یافتگی در ۵ سطح بسیار توسعه یافته، توسعه

یافته، تا حدی توسعه یافته، کمتر توسعه یافته و محروم خوشه بندی شدند و سپس نحوه توزیع متغیرهای ساختمان جمعیت در درون هر خوشه/ ناحیه و بین ناحیه مورد تحلیل قرار گرفت. داده‌های آماری مورد نیاز برای تحلیل جمعیتی و سطح توسعه یافتگی از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵ مرکز آمار ایران بدست آمده است. داده‌های اکولوژیک نیز برای ناحیه بندی از تصاویر ماهواره ای بدست آمده است.

شاخص‌های مورد استفاد برای سنجش سطح توسعه یافتگی روستایی در بخش‌های مختلف زیر بنایی، خدمات اجتماعی، خدمات اقتصادی، مدیریتی، اطلاعات، ارتباطات و انرژی و جمعیت تقسیم گردید.

جدول ۲. متغیرها و شاخص‌های تحقیق

متغیرها	شاخص‌ها
زیر بنایی	شاخص‌های زیر بنایی؛ پایگاه آتش نشانی، آب لوله کشی، گاز لوله کشی، برق شبکه سراسری، سالن ورزشی، زمین ورزشی، طرح هادی.
مدیریتی	شاخص‌های مدیریتی؛ شورای حل اختلاف، مروج کشاورزی، مرکز خدمات جهاد کشاورزی، دهیاری، شورای اسلامی روستا.
اجتماعی	نسبت باسوادی، سامانه جمع آوری زباله، تکنسین دامپزشکی، دامپزشک، بهروز، بهیار و ماما، دندانپزشک تجربی یا دندانساز، دندانپزشک یا بهداشت کار دهان، پزشک، مرکز تسهیلات زایمان، پایگاه بهداشت روستایی، خانه بهداشت، داروخانه، مرکز بهداشتی درمانی، سامانه تصفیه آب، کتابخانه، دبیرستان، راهنمایی، دبستان، مهد کودک، فنی حرفه‌ای.
اقتصادی	نرخ اشتغال، تعمیرگاه ماشین‌آلات غیر کشاورزی، تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی، بانک، قهوه‌خانه، قصابی، نانوا، فروشگاه تعاونی، بقالی، نمایندگی پخش سیلندر گاز، نمایندگی پخش نفت سفید.
اطلاعات	ارتباطات و انرژی؛ دسترسی به وسیله نقلیه عمومی، دسترسی عمومی به اینترنت، دسترسی به روزنامه و مجله، دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات، دفتر مخابرات، دفتر پست، صندوق پست، جایگاه سوخت، راه آسفالت.
جمعیتی	نرخ رشد، بار تکفل، نسبت سنی و جوانی جمعیت، نسبت جنسی، نرخ باسوادی و نرخ اشتغال جمعیت.

جهت تحلیل، تبیین و مقایسه تحولات و نحوه توزیع جمعیت روستایی در شهرستان ارومیه از شاخص‌های تراکم نسبی جمعیت، متوسط جمعیت روستاها، شاخص نابرابری مقایسه‌ای، شاخص ضریب جینی استفاده گردید. شاخص نابرابری مقایسه‌ای از شاخص‌هایی است که برای تبیین نحوه توزیع جغرافیایی جمعیت بکار می‌رود این شاخص توصیف وابستگی‌های موجود میان دو حالت پراکندگی در گروهی از واحدهای ناحیه‌ای می‌باشد و ارزش آن معادل نصف کل تفاوت‌های مطلق بین دو جمعیت است (Mahdavi, 1995).

شاخص ضریب جینی، برای بدست آوردن میزان نابرابری و توزیع جمعیت در بین نواحی مختلف سرزمین از این شاخص استفاده می‌کنند. مقدار این شاخص هرچه قدر به صفر نزدیکتر باشد نشان دهنده توزیع متعادل جمعیت در بین نواحی است و مقادیر بزرگتر نشان دهنده تمرکز جمعیت سرزمین در مناطق خاص و نابرابری بیشتر در توزیع آن است. ضریب جینی از رابطه زیر بدست می‌آید (Hekmatnia & Mousavi, 2011):

$$G=1+\frac{1}{2}-\frac{2[n y_1+(n-1)y_2+\dots+y_n]}{n^2 \times \bar{y}}, Y_1 < Y_2 \dots < Y_n$$

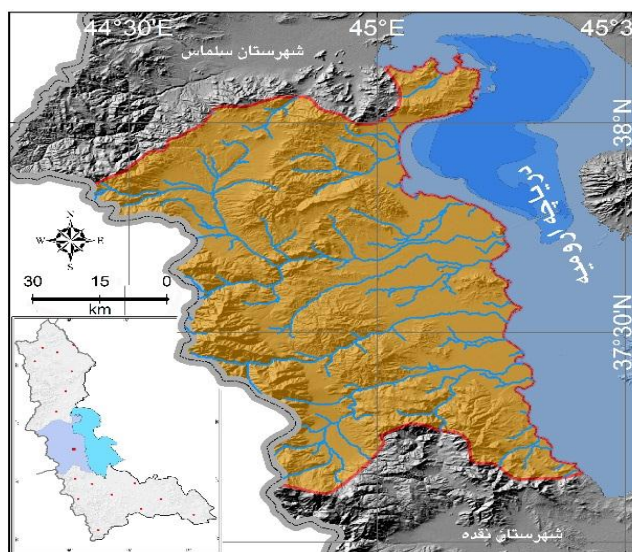
G: برابر است با ضریب جینی؛ n: تعداد ناحیه؛ \bar{y} : میانگین شاخص مورد نظر
در این تحقیق از دو مدل استفاده گردید. مدل تحلیل چند معیاره تاپسیس برای تحلیل میزان توسعه یافتگی و از مدل تحلیل خوشه‌ای نیز برای خوشه بندی سطح توسعه روستاها استفاده گردید؛

مدل تحلیل تاپسیس؛ تاپسیس به عنوان یک روش تصمیم‌گیری چند شاخصه، روشی ساده ولی کارآمد در اولویت‌بندی محسوب می‌گردد. این مدل یک تصمیم‌گیری چند شاخصه جبرانی بسیار قوی برای اولویت‌بندی گزینه‌ها از طریق شبیه نمودن به جواب ایده‌ال می‌باشد که به نوع تکنیک وزن‌دهی، حساسیت بسیار کمی داشته و پاسخ‌های حاصل از آن، تغییر عمیقی نمی‌کند. در این روش گزینه انتخاب شده، بایستی کوتاهترین فاصله را از جواب ایده‌ال و دورترین فاصله را از ناکارآمدترین جواب داشته باشد (Hekmatnia & Mousavi, 2011). مدل تحلیل خوشه‌ای؛ تحلیل خوشه‌ای یکی از روش‌های پر کاربرد و مطالعات جغرافیایی ناحیه‌ای است. در روش خوشه‌ای سلسله مراتبی تراکمی هر مکان با خوشه‌های خاص آغاز می‌شود سپس دو مکان با هم ترکیب شده خوشه جدیدی می‌سازند بدین ترتیب بتدریج تمام مکان‌ها با هم ادغام شده و نهایتاً یک خوشه بزرگی را پدید

می‌آورند. روش‌های متفاوتی برای خوشه بندی وجود دارند؛ پیوند تکی، پیوند کامل، پیوند متوسط، روش وارد و روش مرکز ثقل. برای محاسبه این روش از نرم افزار SPSS استفاده می‌شود (Hekmatnia & mousavi, 2011).

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان ارومیه یکی از ۱۷ شهرستان استان آذربایجان غربی است. این شهرستان در غرب دریاچه ارومیه قرار گرفته و از شمال با شهرستان سلماس، از جنوب با شهرستان‌های نقده و اشنویه و از سمت غرب با کشور عراق همجوار است. بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی- اداری ۱۳۹۵، شهرستان ارومیه به ۵ بخش ۲۰ دهستان تقسیم شده است. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جمعیت روستایی این شهرستان ۲۸۹۷۶۰ نفر در قالب ۸۲۷۸۸ خانوار در ۶۶۲ آبادی دارای سکنه توزیع شده است.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

- تحلیل شاخص‌های جمعیتی در نواحی بر حسب سطح توسعه

توزیع و پراکندگی شاخص‌های جمعیتی در نواحی مختلف توسعه‌ای، تفاوت معنی داری با همدیگر ندارند. نسبت سنی در هر ناحیه جغرافیایی توسعه نشان می‌دهد که گروه سنی کمتر از ۳۰ سال در نواحی مختلف بصورت متفاوت توزیع شده است ولی فرض غلبه جوانی جمعیت بر حسب افزایش سطوح توسعه روستایی فرض مقبول نیست زیرا نسبت سنی در روستاهای بسیار توسعه یافته و روستاهای محروم به ترتیب برابر ۷۶/۶ و ۷۴/۷ درصد می‌باشد و نشان دهنده آن است که در روستاهای بسیار توسعه یافته و توسعه یافته نسبت به روستاهای کمتر توسعه یافته و محروم جمعیت کهنسال تر است. البته این مسئله به این معنی نمی‌تواند باشد که انتقال جمعیت جوان در روستاهای توسعه یافته به شهرها انجام شده باشد زیرا نرخ رشد جمعیت روستایی نواحی توسعه یافته و بسیار توسعه یافته روند مثبتی را طی کرده است. بنابراین می‌توان گفت که غلبه جمعیت جوان در روستاهای کمتر توسعه یافته و محروم به خاطر زاد و ولد و جمعیت کودکان و نوجوانان باشد که نسبت سنی جمعیت را افزایش داده است مسئله‌ای که در روستاهای کمتر توسعه یافته و محروم به چشم می‌خورد پدیده مهاجرت است که روند جمعیت روستایی این نواحی را با رشد منفی مواجه ساخته است. در میان نواحی مختلف جغرافیایی توسعه، نواحی توسعه یافته و کمتر توسعه یافته با نسبت سنی ۷۶/۲ درصد جوان ترین ناحیه به شمار می‌روند. نرخ نابرابری نسبت سنی در میان نواحی مختلف نشان می‌دهد که بین نواحی مختلف توسعه روستایی اختلاف معنی داری وجود ندارد بیشترین اختلاف برابر با ۰/۸ بین ناحیه بسیار توسعه یافته و ناحیه کمتر توسعه یافته و تا حدی توسعه یافته وجود دارد.

از نظر نسبت جنسی بیشترین و کمترین نسبت به ترتیب با مقدار ۱۰۵ و ۹۸/۷ درصد به نواحی توسعه روستاهای بسیار توسعه یافته و نواحی محروم اختصاص دارد بیشترین نرخ نابرابری توزیع دو گروه جنسی مردان و زنان بین نواحی مختلف توسعه برابر با ۳/۵ نفر است که برای ایجاد تعادل لازم است از ناحیه بسیار توسعه یافته به نواحی محروم منتقل گردد. نرخ نابرابری نسبت جنسی نواحی فوق نشان می‌دهد که مهاجرت نیروی انسانی ذکور در روستاهای محروم بالاتر است و باعث کاهش تعداد مردان در روستاها گردیده است و این امر نیز در نرخ رشد جمعیت کاملاً نمایان است.

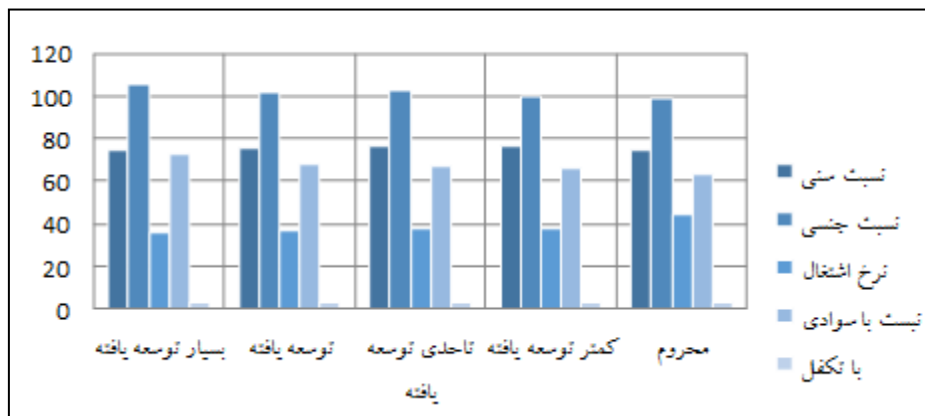
همچنین نتایج بررسی نشان می‌دهد که از نظر اشتغال بالاترین درصد (۴۴/۷ درصد) متعلق به روستاهای محروم است. این امر نشان می‌دهد که روستاهای محروم توان نگهداری جمعیت اضافی را ندارند و جمعیت باقی مانده در روستاها عمدتاً کسانی هستند که در بخش کشاورزی مشغول می‌باشند. جمعیت اضافی در این روستاها به شهرها مهاجرت کرده و نسبت وابستگی را به ۲/۷ نفر کاهش داده است و باعث کاهش نسبت جوانی جمعیت در این روستاها شده است. نرخ بالای نابرابری اشتغال در میان روستاهای واقع در نواحی مختلف توسعه ۴/۱۵- است که به ناحیه بسیار توسعه یافته تعلق دارد که پایین ترین نرخ اشتغال را به خود اختصاص داده است علت این مسئله را می‌توان در توزیع سنی جمعیت این ناحیه دانست زیرا بیشتر جمعیت این ناحیه در سن بالای ۱۵ سال واقع شده و عمدتاً در سنین فعالیت قرار دارند و باعث کاهش نسبت اشتغال در سن فعالیت شده است. در صورتی که در روستاهای محروم علت بالا بودن اشتغال پایین بودن نسبت جمعیت در سنین فعالیت است و دلیلی که باعث افزایش نسبت جوانی جمعیت این ناحیه شده نسبت جمعیت زیر ۱۵ ساله است و جمعیت بالای ۱۵ سال عمدتاً از این ناحیه به جهت عدم جذابیت روستاها دست به مهاجرت زده و تعداد نیروی کار و در جستجوی کار را کاهش داده است این امر در نرخ رشد (۱- درصد) جمعیت این ناحیه کاملاً آشکار است.

از نظر سطح سواد نیز نابرابری میان روستاهای واقع در نواحی مختلف توسعه، بین ناحیه بسیار توسعه یافته و ناحیه محروم است میزان نابرابری در حد بالای سواد ۴/۹ نفر می‌باشد که به ناحیه محروم تعلق دارد. به عبارتی بالاترین سطح سواد در میان روستاهای شهرستان ارومیه متعلق به روستاهای بسیار توسعه یافته است. میزان سواد در این ناحیه برابر با ۷۳ درصد می‌باشد. نرخ نابرابری بار تکفل نیز در میان نواحی مختلف جغرافیایی شهرستان ارومیه نشان می‌دهد که بین سطوح مختلف توسعه روستاهای شهرستان اختلاف بار تکفل زیاد نیست. بالاترین نرخ نابرابری تکفل در نواحی مختلف برابر با ۰/۳ است. به عبارتی بالاترین بار تکفل در ناحیه بسیار توسعه یافته برابر با ۳/۳ نفر است و کمترین آن به ناحیه توسعه روستایی محروم تعلق دارد بار تکفل در این ناحیه ۲/۷ نفر می‌باشد. نرخ تکفل در روستاهای محروم نشان می‌دهد که افراد باقی مانده در این روستاها عمدتاً افراد کهنسال شاغل در بخش کشاورزی است و جمعیت بالای ۱۵ سال که در سن فعالیت قرار دارند و جزء جمعیت فعال به شمار می‌روند برای دست یابی به فرصت‌های آموزشی و شغلی از روستاها مهاجرت کرده و باعث کاهش جمعیت وابسته گردیده است. توزیع و پراکندگی جمعیت در سطح شهرستان نشان دهنده توزیع نامتعادل جمعیت بین نواحی مختلف است به طوری که بیشترین میانگین جمعیت در ناحیه بسیار توسعه یافته با ۱۵۲۹ نفر در هر روستا و کمترین میانگین جمعیت نیز در ناحیه محروم با ۸۶ نفر در هر روستا است. نکته مهمی که می‌توان در نحوه توزیع جمعیت به آن اشاره نمود فاصله زیاد میانگین جمعیت ناحیه روستایی بسیار توسعه یافته و ناحیه سطح دو یعنی روستاهای توسعه یافته است. فاصله بین این دو ناحیه برابر ۱۰۹۳ نفر است که نشان دهنده تمرکز جمعیت در این روستاها است.

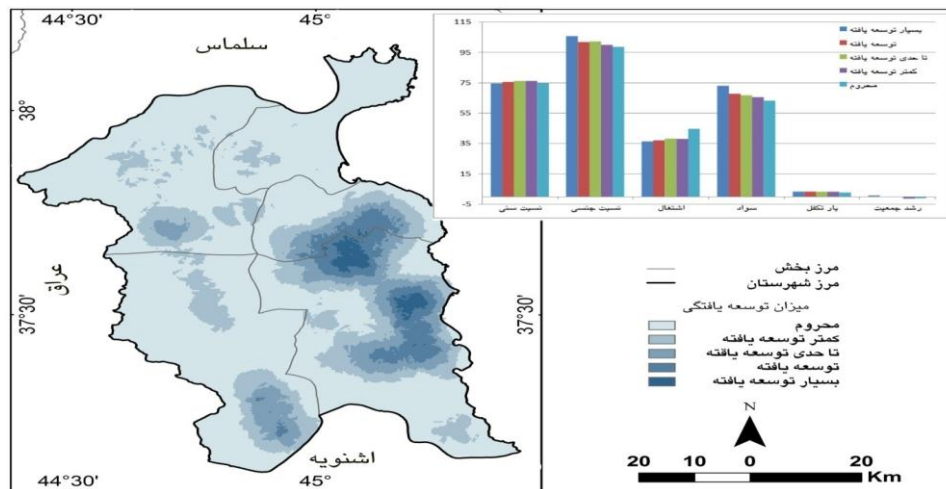
نتایج بررسی نرخ رشد جمعیت نشان می‌دهد که روند رشد جمعیت روستاها از سطح توسعه یافتگی روستاها تبعیت می‌کند. بنابر نتایج تحلیل هر چه سطح توسعه روستاها بالاتر باشد نرخ رشد جمعیت بالاتری نیز تجربه کرده‌اند. نرخ رشد جمعیت در روستاهای محروم و کمتر توسعه یافته به ترتیب برابر با ۱- درصد و ۱/۳- درصد است در حالی که برای روستاهای توسعه یافته و بسیار توسعه یافته برابر با ۰/۱ و ۰/۸ درصد می‌باشد.

جدول ۲. شاخص‌های جمعیتی در نواحی توسعه

رشد جمعیت ۹۰-۱۳۷۵	با تکفل		سواد		اشتغال		نسبت جنسی		نسبت سنی		میانگین جمعیت	ناحیه روستایی
	نرخ نابرابری	مقدار	نرخ نابرابری	مقدار	نرخ نابرابری	مقدار	نرخ نابرابری	مقدار	نرخ نابرابری	مقدار		
۰/۸	۰	۳/۳	۰	۷۳	-۴/۱۵	۳۶/۴	۰	۱۰۵/۸	-۰/۸	۷۴/۶	۱۵۲۹	بسیار توسعه یافته
۰/۱	۰	۳/۳	-۲/۶	۶۷/۸	-۳/۸	۳۷/۱	-۱/۹۵	۱۰۱/۹	-۰/۳	۷۵/۶	۴۳۶	توسعه یافته
۰/۱	-۰/۰۵	۳/۲	-۳/۱	۶۶/۸	-۳/۲۵	۲/۳۸	-۱/۷۵	۱۰۲/۳	۰	۷۶/۲	۲۵۷	تأحدی توسعه یافته
-۱/۳	-۰/۰۵	۳/۲	-۳/۷	۶۵/۶	-۳/۳۵	۳۸	-۲/۹	۱۰۰	۰	۷۶/۲	۱۲۴	کمتر توسعه یافته
-۱	-۰/۳	۲/۷	-۴/۹	۶۲/۲	۰	۴۴/۷	-۲/۵۵	۹۸/۷	-۰/۷۵	۷۴/۷	۸۶	محروم



شکل ۲. شاخص‌های جمعیتی در نواحی توسعه



شکل ۳. ناحیه بندی بر اساس توسعه روستاها

تحلیل شاخص‌های جمعیتی در نواحی اکولوژیک

توزیع و پراکندگی شاخص‌های جمعیتی در نواحی مختلف طبیعی، توزیع متفاوتی است. نسبت سنی در هر ناحیه جغرافیایی نشان می‌دهد که گروه سنی کمتر از ۳۰ سال در نواحی مختلف بصورت متفاوت توزیع شده است. بیشترین پراکندگی جمعیت کمتر از ۳۰ سال با نسبت ۷۸/۹ درصد متعلق به ناحیه با پوشش مراتع خوب و کمترین نسبت به میزان ۵۷/۰۶ درصد به محدوده اراضی مرطوب شور اختصاص دارد. نرخ نابرابری شاخص سنی میان روستاهای واقع در نواحی مختلف جغرافیایی شهرستان نشان می‌دهد که از نظر سنی روستاها با همدیگر متفاوت است نسبت تفاوت بین جوانترین ناحیه با کهنسال ترین ناحیه ۸/۱- منفی است که متعلق به ناحیه روستاهای واقع در ناحیه مخلوط زراعت و باغ است و جوانترین ناحیه با پوشش مراتع خوب است. از نظر نسبت

جنسی بیشترین و کمترین نسبت به ترتیب با مقدار ۱۱۳ و ۹۸/۱ درصد به نواحی مجتمع‌های درختی و تاکستان‌ها و ناحیه مخلوط کاربری مرتع و دیم اختصاص دارد. همچنین نتایج بررسی نشان می‌دهد که از نظر اشتغال بالاترین درصد (۴۱/۱ درصد) متعلق به محدوده کاربری با پوشش مرتعی ضعیف است نرخ تکفل (۳ نفر) این ناحیه نیز نشان می‌دهد که روستاها در این ناحیه کم جمعیت بوده و جمعیت روستاها در حد توان روستاها می‌باشند به طوری که میزان رشد آن‌ها نیز ۵/۰ درصد بوده که نزدیک به صفر است. نرخ نابرابری جنسی میان نواحی مختلف نیز بالاتر است و تفاوت نواحی ۷/۵ نفر است که به ناحیه با کاربری مخلوط مرتع و دیم تعلق دارد که اختلاف آن با ناحیه مجتمع‌های درختی و تاکستان‌ها است.

وضعیت نواحی از نظر اشتغال به شکلی است که روستاهای واقع در ناحیه با پوشش ضعیف مرتعی با ۴۱ درصد و روستاهای واقع در ناحیه مخلوط اراضی آبی و باغی با ۷/۳۹ درصد از وضعیت مطلوبی نسبت به سایر نواحی برخوردارند و در رتبه‌های اول و دوم قرار گرفته‌اند. روستاهای واقع در نواحی با پوشش مرتعی متوسط با ۳۰/۲ درصد و مجتمع‌های درختی و تاکستان‌ها با ۲۸/۵ درصد در میان نواحی مختلف از وضعیت نامساعدی برخوردارند و در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند. نرخ نابرابری اشتغال در میان روستاهای واقع در نواحی مختلف ۶/۳- است که به ناحیه مجتمع‌های درختی و تاکستان‌ها تعلق دارد که پایین‌ترین نسبت جنسی میان نواحی مختلف است. از نظر سطح سواد نیز نابرابری میان روستاهای واقع در نواحی مختلف بین ناحیه محدوده با پوشش مراتع متوسط با ۶/۴- و مخلوط زراعت آبی و باغی با مقدار صفر است. به عبارتی بالاترین سطح سواد در میان روستاهای شهرستان ارومیه متعلق به روستاهای واقع در ناحیه مخلوط زراعت آبی و باغ است. میزان سواد در این ناحیه برابر با ۷۲/۹ درصد می‌باشد.

نرخ نابرابری بار تکفل نیز در میان نواحی مختلف جغرافیایی شهرستان ارومیه نشان می‌دهد که بین روستاهای واقع در خرده نواحی شهرستان اختلاف بار تکفل زیاد است. بالاترین نرخ نابرابری تکفل در نواحی مختلف برابر با ۰/۹ است. به عبارتی بالاترین بار تکفل در ناحیه محدوده با پوشش مراتع خوب برابر با ۴/۷ نفر است و کمترین آن به روستاهای محدوده با پوشش مراتع ضعیف تعلق دارد بار تکفل در این ناحیه ۳ نفر می‌باشد که نشان دهنده توزیع نابرابر فرصت‌های اشتغال میان روستاهای نواحی مختلف جغرافیایی شهرستان است.

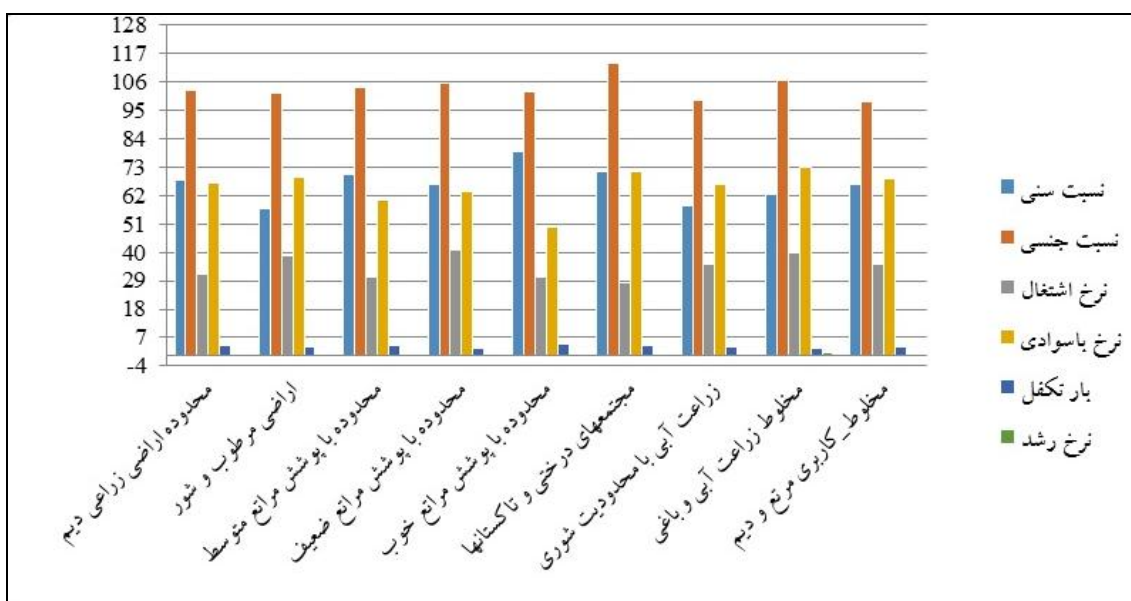
توزیع و پراکندگی جمعیت در سطح شهرستان نشان دهنده توزیع نامتعادل جمعیت بین نواحی مختلف است به طوری که بیشترین تراکم جمعیت در ناحیه مخلوط زراعت آبی و باغی با ۱۴۶/۶ نفر در کیلومتر مربع و کمترین تراکم نیز در ناحیه با پوشش مراتع ضعیف با ۰/۳۳ نفر در کیلومتر مربع است. نکته مهمی که می‌توان در نحوه توزیع جمعیت به آن اشاره نمود فاصله زیاد ناحیه متراکم و ناحیه سطح دو از نظر تراکم جمعیت است. فاصله بین ناحیه مخلوط زراعت آبی و باغی بعنوان متراکمترین ناحیه و ناحیه مرطوب و شور بعنوان ناحیه سطح دوم از نظر تراکم ۱۲۳ نفر در کیلومتر مربع است که نشان دهنده فشار زیاد جمعیت روستایی بر منابع تولید در ناحیه مخلوط زراعت آبی و باغی است که عمدتاً در بخش مرکزی شهرستان ارومیه پراکنده شده‌اند.

جدول ۳. نحوه توزیع شاخص‌های جمعیتی در نواحی مختلف اکولوژیک شهرستان ارومیه

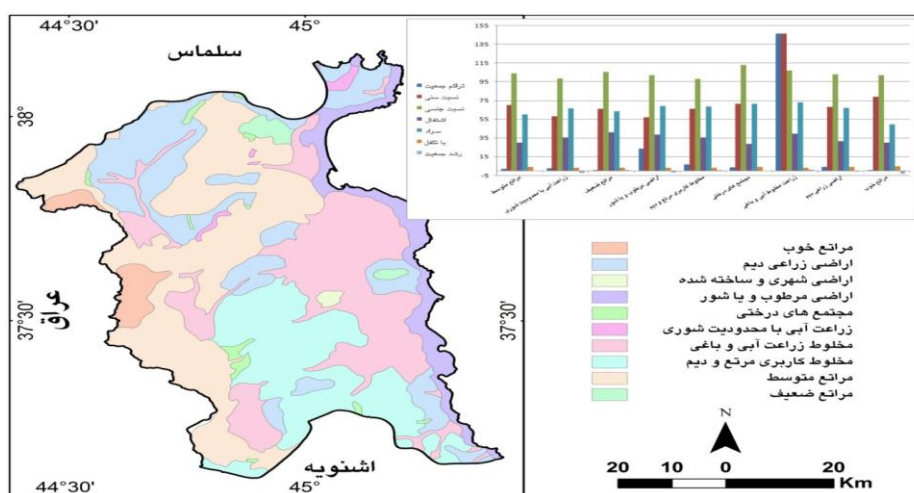
رشد جمعیت ۹۰- ۱۳۷۵	با تکفل		سواد		اشتغال		نسبت جنسی		نسبت سنی		تراکم جمعیت	نواحی طبیعی
	نرخ نابرابری	مقدار	نرخ نابرابری	مقدار	نرخ نابرابری	مقدار	نرخ نابرابری	مقدار	نرخ نابرابری	مقدار		
-۰/۷	-۰/۳	۴/۲	-۰/۳	۶۷	-۴/۹	۳۱/۴	-۵/۱۵	۱۰۲/۸	-۵/۵۵	۶۷/۸	۴/۴	اراضی زراعی دیم
-۱/۷	-۰/۸	۳/۲	-۱/۹	۶۹/۲	-۱/۲	۳۸/۷	-۵/۶۵	۱۰۱/۸	-۱۰/۹	۵۷/۰۶	۲۳/۴	اراضی مرطوب و شور
-۰/۳	-۰/۳	۴/۲	-۶/۴	۶۰/۱	-۵/۵	۳۰/۲	-۴/۷	۱۰۳/۷	-۴/۴	۷۰/۱	۲/۲۷	پوشش مراتع متوسط
۰/۵	-۰/۹	۳	-۴/۷	۶۳/۵	۰۰	۴۱/۱	-۳/۸	۱۰۵/۵	-۶/۳	۶۶/۱۷	۰/۳۳	پوشش مراتع ضعیف
-۳/۵	۰۰	۴/۷	-۱۱/۶	۴۹/۷	-۵/۴	۳۰/۳	-۵/۴۵	۱۰۲/۲	۰۰	۷۸/۹	۰/۳۷	پوشش مراتع خوب
-۱/۳	-۰/۳	۴/۲	-۰/۷	۷۱/۵	-۶/۳	۲۸/۵	۰۰	۱۱۳/۱	-۳/۷	۷۱/۵	۳/۴۶	مجتمع‌های درختی و تاکستان‌ها
-۲/۳	-۰/۷	۳/۳	-۳/۲	۶۶/۵	-۲/۹	۳۵/۴	-۷/۲۵	۹۸/۶	-۱۰/۴	۵۸	۲/۶	زراعت آبی با محدودیت شوری
۱/۰۲	-۰/۸	۳/۰۱	۰۰	۷۲/۹	-۰/۷	۳۹/۷	-۳/۲	۱۰۶/۷	-۸/۱	۶۲/۷	۱۴۶/۶	زراعت آبی و باغی
۰/۸	-۰/۷	۳/۴	-۲/۲	۶۸/۶	-۲/۸	۳۵/۶	-۷/۵	۹۸/۱	-۶/۳	۶۶/۲	۶/۶۵	کاربری مرتع و دیم

از نظر رشد جمعیت دو ناحیه قابل تامل است یکی ناحیه مخلوط اراضی زراعی آبی و باغی و دیگری ناحیه با پوشش مرتعی خوب است که به ترتیب بالاترین و پایین ترین نرخ رشد جمعیت را دارند. رشد جمعیت از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ در ناحیه مخلوط اراضی زراعی آبی و باغی برابر با ۱/۰۲ درصد است و در بین نواحی مختلف بالاترین نرخ را دارد. در این ناحیه جغرافیایی نرخ سواد (۷۲ درصد) نیز بالاتر از سایر نواحی است همچنین از نظر نرخ تکفل (۳/۱ نفر) نیز از وضعیت بهتری نسبت به سایر ناحیه برخوردار است. نرخ اشتغال در این ناحیه با میزان ۳۹ درصد در میان ناحیه در رتبه دوم قرار دارد. این شاخص‌ها و سایر شاخص‌های جمعیتی نشان می‌دهد که جمعیت روستایی شدیداً وابسته به منابع طبیعی اکولوژیک است شاخص تراکم جمعیت در این ناحیه این امر را تأیید می‌نماید زیرا فاصله تراکمی جمعیت بین نامطلوب ترین و مطلوب ترین ناحیه در سطح شهرستان ۱۴۶ نفر است. با وجود اینکه این ناحیه از نظر سنی (۶۲ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال است) وضعیت مطلوبی نسبت به سایر نواحی ندارد و از جمعیت کهنسالی برخوردار است این امر دال بر مهاجرت جمعیت جوان روستایی به شهر نیست بلکه علت اصلی آن را می‌توان با نرخ پایین زاد و ولد در ناحیه تبیین کرد. زیرا در این ناحیه هم بار تکفل کمتر است و هم نرخ اشتغال از وضعیت مناسبی برخوردار است به جهت اینکه اگر زاد و ولد در این ناحیه بیشتر انجام می‌شد تعداد کودکان زیر ۱۰ سال بیشتر می‌شد و به تبع آن نرخ تکفل نیز بالاتر می‌رفت ولی این امر اتفاق نیافتاده است یکی دیگر از عوامل که افزایش نرخ تکفل را سبب می‌شود، جمعیت از کار افتاده و کهنسال است باز نرخ تکفل جمعیت این امر را تأیید نمی‌کند بنابراین زاد و ولد پایین و کاهش مهاجرت جوانان نسبت سنی جمعیت این ناحیه را عمدتاً در مقطع سنی میانسال قرار داده است. البته علت کاهش مهاجرت در این ناحیه علاوه بر منابع طبیعی و اکولوژیک به موقعیت جغرافیایی و شکل زمین وابسته است. از نظر موقعیت این ناحیه عمدتاً در محدوده سیاسی بخش مرکزی شهرستان قرار گرفته که نزدیک به شهر ارومیه می‌باشد و نزدیکی به شهر ارومیه باعث شده روستاییان میل کمتری به مهاجرت داشته باشند و در مقابل از خدمات اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی شهر استفاده نمایند. از سوی دیگر از نظر شکل زمین این ناحیه کاملاً مسطح است و فرصت مناسبی را برای توسعه فعالی‌های کشاورزی با وجود منابع اکولوژیک نظیر آب و خاک مرغوب بدست داده است که باعث شده مهاجرت نیز در سطح محدودی انجام شود و به تبع آن نرخ رشد جمعیت ناحیه نیز مثبت باشد.

محدوده جغرافیایی ناحیه با پوشش مراتع خوب در غرب شهرستان ارومیه واقع شده و این منطقه از نظر شکل زمین و وضعیت توپوگرافیک، ناحیه کوهستانی به شمار می‌رود با وجود اینکه در این ناحیه جمعیت جوان تر از سایر نواحی است ولی کمترین نرخ رشد را در بین سایر نواحی داشته است به طوری که کمترین مقدار نرخ رشد با ۳/۵- درصد در میان سایر نواحی را به خود اختصاص داده است. مقایسه نسبت سنی و نرخ رشد این ناحیه بیانگر این است که مهاجرت از این ناحیه در سطح بسیار بالایی انجام می‌شود زیرا از نظر تعداد و نسبت جمعیت جوان تا مرز ۳۰ سال بیشتر از سایر نواحی است ولی این جمعیت زمانی که به ۳۰ سالگی می‌رسند دست به مهاجرت زده‌اند علت مهاجرت را نیز می‌توان عمدتاً شغلی دانست زیرا در این ناحیه اراضی کشاورزی به خاطر محدودیت‌های توپوگرافیک محدود است و سایر بخش‌های اقتصادی هنوز شکل نگرفته است و در سطح محدودی انجام می‌گیرد و این مسئله باعث افزایش مهاجرت جمعیت این ناحیه شده است. نکته قابل توجهی که در این ناحیه وجود دارد مهاجرت تنها متعلق به افراد ذکور روستاها نیست این نکته در نسبت جنسی کاملاً هویداست زیرا نسبت جنسی این ناحیه در حد نرمال ۱۰۲/۲ است و مهاجرت هر دو جنس بصورت مساوی انجام می‌شود. نرخ باسوادی و بارتکفل در این ناحیه نسبت به سایر نواحی از وضعیت نامطلوبی برخوردار است. نسبت باسوادی و بارتکفل در این ناحیه به ترتیب برابر با ۴۹/۷ درصد و ۴/۷ نفر است. نسبت با سوادی و بارتکفل نشان می‌دهد که مهاجران عمدتاً افراد با سوادی بوده و جمعیت باقی مانده روستا را افراد کهنسال بی سواد و جمعیت کمتر از ۶ ساله‌ها تشکیل می‌دهد که موجب کاهش نسبت سواد و افزایش بار تکفل شده است.



شکل ۴. نحوه توزیع شاخص‌های جمعیتی در نواحی مختلف اکولوژیک شهرستان ارومیه



شکل ۵. نواحی اکولوژیک و نحوه توزیع شاخص‌های جمعیتی

– شاخص ضریب جینی

ضریب جینی عددی است بین صفر و یک که در آن صفر به معنی توزیع کاملاً برابر و یک به معنای نابرابری مطلق در توزیع است. ضریب جینی میزان پراکندگی تساوی شاخص‌های جمعیتی را اندازه می‌گیرد و توزیع متعادل آن را در نواحی جغرافیایی اندازه گیری نمی‌کند و می‌تواند شاخص بسیار مهمی برای سنجش نابرابری عناصر جمعیتی در نواحی مختلف باشد. بر اساس بررسی‌های انجام یافته در خصوص نحوه پراکندگی عناصر جمعیتی در نواحی خرد شهرستان ارومیه، می‌توان گفت که بین نواحی مختلف جغرافیایی شهرستان نسبت سنی، نسبت جنسی، اشتغال، جمعیت باسواد، افراد از کار افتاده و غیر فعال و رشد جمعیت بصورت مساوی توزیع یافته است. نتایج جدول نشان می‌دهد که شاخص ضریب جینی برای نحوه توزیع جمعیت کمتر از ۳۰ سال و بالای ۳۰ سال در میان نواحی مختلف بصورت مساوی انجام یافته است زیرا شاخص ضریب جینی (۰/۳۲) برای نسبت سنی نزدیک صفر است و نشان می‌دهد که در بین نواحی از نظر توزیع جمعیت جوان، میانسال و کهنسال اختلاف عمیقی وجود ندارد. شاخص ضریب جینی نیز برای نسبت جنسی برابر با ۰/۳۲ است که همانند نسبت سنی توزیعی مساوی بین نواحی دارد و خرده نواحی شهرستان از منظر تعداد جمعیت مردان و زنان اختلاف چندانی با همدیگر ندارند. شاخص ضریب جینی برای نحوه توزیع اشتغال در نواحی

مختلف، عدم وجود تفاوت معنی دار بین نواحی را بیان می‌کند. شاخص ضریب جینی برای توزیع اشتغال برابر با $0/35$ است که نشان می‌دهد که فرصت شغلی نسبت به جمعیت در بین خرده نواحی بصورت مساوی توزیع یافته است. اختلاف بین نواحی از نظر نحوه توزیع تعداد باسوادان نسبت به جمعیت لازم‌التعلیم معنی‌دار نیست و می‌توان گفت که از نظر نسبت سواد بین نواحی مختلف جغرافیایی اختلاف چندانی وجود ندارد و همانند شاخص‌های فوق تساوی توزیع حاکم است.

در میان شاخص‌های جمعیتی بار تکفل و نرخ رشد نسبت به سایر شاخص‌ها توزیع متساوی تر است. شاخص ضریب جینی برای بار تکفل $0/22$ و برای رشد جمعیت $0/3$ است ضریب جینی بار تکفل نشان می‌دهد بین نواحی مختلف جغرافیایی شهرستان افراد غیر فعال و از کار افتاده بصورت مساوی توزیع یافته است و هیچ یک از نواحی از نظر تعداد افراد سربرابر بر دیگری برتری ندارد و این مسئله این فرضیه را ثابت می‌کند که همه خرده نواحی بر حسب توان اقتصادی و فرصت شغلی مبتنی بر منابع طبیعی می‌توانند جمعیت پذیر باشند و جمعیت مازاد خود را در صورت عدم توسعه اقتصاد غیر کشاورزی از دست خواهد داد. ضریب جینی نرخ رشد جمعیت نیز بیانگر آن است که تحولات دینامیکی جمعیت اعم از مهاجرت، مرگ و میر و زاد و ولد بین نواحی تقریباً همسان است و هیچ یک از نواحی بر دیگری برتری ندارد. در تمامی نواحی توزیع عناصر جمعیتی تقریباً همسان است ولی تراکم جمعیت در نواحی مختلف بسیار نابرابر و نامساوی انجام یافته است. ضریب جینی تراکم برابر با $0/83$ است و نشان می‌دهد که فشار بر منابع در برخی نواحی بسیار بالاتر و شدیدتر است. بر حسب شیوه تولید اقتصاد کشاورزی حاکم در روستاها جمعیت روستایی در نواحی ای متراکم است که منابع طبیعی تولید در آن بصورت مطلوب وجود دارد و عامل عدم توزیع مساوی جمعیت در میان نواحی مختلف به شمار می‌رود. شاخص تراکم جمعیت بر حسب منابع اکولوژیک نیز این امر را تایید می‌نماید.

در ارتباط با نحوه پراکندگی عناصر جمعیت روستایی در نواحی می‌توان گفت که بین نواحی مختلف جغرافیایی توسعه شهرستان نسبت سنی، نسبت جنسی، اشتغال، جمعیت باسواد، افراد از کار افتاده و غیر فعال و رشد جمعیت همانند ناحیه اکولوژیک بصورت مساوی توزیع یافته است. شاخص ضریب جینی نشان می‌دهد که نحوه توزیع جمعیت کمتر از 30 سال و بالای 30 سال در میان نواحی مختلف بصورت مساوی انجام یافته است زیرا شاخص ضریب جینی ($0/11$) برای نسبت سنی نزدیک صفر است و بیان کننده این است که در بین نواحی از نظر توزیع جمعیت جوان، میانسال و کهنسال اختلاف عمیقی وجود ندارد. شاخص ضریب جینی نیز برای نسبت جنسی برابر با $0/08$ است که همانند نسبت سنی توزیعی مساوی بین نواحی دارد و خرده نواحی شهرستان از منظر تعداد جمعیت مردان و زنان اختلاف چندانی با همدیگر ندارند. شاخص ضریب جینی برای نحوه توزیع اشتغال، عدم وجود تفاوت معنی دار بین نواحی را بیان می‌کند. شاخص ضریب جینی برای توزیع اشتغال برابر با $0/18$ است که توزیع مساوی فرصت شغلی نسبت به جمعیت در نواحی مختلف است. اختلاف بین نواحی از نظر نحوه توزیع تعداد باسوادان نسبت به جمعیت لازم‌التعلیم معنی دار نیست و می‌توان گفت که از نظر نسبت سواد بین نواحی مختلف جغرافیایی اختلاف چندانی وجود ندارد و همانند شاخص‌های فوق تساوی توزیع حاکم است شاخص ضریب جینی برای سطح سواد $0/05$ است که تقریباً صفر می‌باشد. در میان شاخص‌های جمعیتی بار تکفل نسبت به سایر شاخص‌ها توزیع متساوی تر است. شاخص ضریب جینی برای بار تکفل $0/04$ است ضریب جینی بار تکفل نشان می‌دهد هیچ یک از نواحی از نظر تعداد افراد سربرابر بر دیگری برتری ندارد. ضریب جینی نرخ رشد جمعیت روستاها نسبت به سایر شاخص‌ها توزیعی متفاوت دارد و و بین نواحی دارای اختلاف است و بیانگر آن است که تحولات دینامیکی جمعیت اعم از مهاجرت، مرگ و میر و زاد و ولد بین نواحی بصورت همسان عمل نکرده است. در تمامی نواحی توزیع عناصر جمعیتی تقریباً همسان است ولی میانگین جمعیت در بین نواحی مختلف بسیار نابرابر و نامساوی انجام یافته است. ضریب جینی توزیع جمعیت در هر روستا برابر با $0/9$ است و نشان می‌دهد که جمعیت روستایی در نواحی به سطح امکانات و خدمات وابستگی زیادی دارد.

جدول ۴. ضریب جینی جمعیت شاخص‌ها در نواحی اکولوژیک و نواحی توسعه‌ای

شاخص	ضریب جینی نواحی اکولوژیک	ضریب جینی نواحی توسعه‌ای
نسبت سنی	$0/32$	$0/11$
نسبت جنسی	$0/32$	$0/08$
نرخ اشتغال	$0/35$	$0/18$
نرخ سواد	$0/36$	$0/05$
بار تکفل	$0/22$	$0/04$
رشد جمعیت	$0/3$	$0/5$
تراکم جمعیت	$0/83$	$0/9$

نتیجه گیری

کاهش جمعیت روستایی مسئله مهمی است که اذهان برنامه‌ریزان و کارشناسان را به خود مشغول داشته است. اما مسئله دیگری که وجود دارد مسئله توزیع جمعیت است که بازتاب عملکرد سیستم مدیریتی فضایی توسعه و شرایط منابع طبیعی است. توزیع و پراکندگی شاخص‌های جمعیتی در نواحی مختلف توسعه‌ای، تفاوت معنی داری با همدیگر ندارند. نسبت سنی در هر ناحیه جغرافیایی توسعه نشان می‌دهد که گروه سنی کمتر از ۳۰ سال در نواحی مختلف بصورت متفاوت توزیع شده است ولی فرض غلبه جوانی جمعیت بر حسب افزایش سطوح توسعه روستایی فرض مقبول نیست زیرا نسبت سنی در روستاهای بسیار توسعه یافته و روستاهای محروم به ترتیب برابر ۷۴/۶ و ۷۴/۷ درصد می‌باشد و نشان دهنده آن است که در روستاهای بسیار توسعه یافته و توسعه یافته نسبت به روستاهای کمتر توسعه یافته و محروم جمعیت کهنسال‌تر است. در میان نواحی مختلف جغرافیایی توسعه، نواحی توسعه یافته و کمتر توسعه یافته با نسبت سنی ۷۶/۲ درصد جوان‌ترین ناحیه به شمار می‌روند. از نظر نسبت جنسی نیز بیشترین و کمترین نسبت به ترتیب با مقدار ۱۰۵ و ۹۸/۷ درصد به نواحی توسعه روستاهای بسیار توسعه یافته و نواحی محروم اختصاص دارد. بیشترین نرخ نابرابری توزیع دو گروه جنسی مردان و زنان بین نواحی مختلف توسعه برابر با ۳/۵ نفر است که برای ایجاد تعادل لازم است از ناحیه بسیار توسعه یافته به نواحی محروم منتقل گردد. همچنین نتایج بررسی نشان می‌دهد که از نظر اشتغال بالاترین درصد (۴۴/۷ درصد) متعلق به روستاهای محروم است. این امر نشان می‌دهد که روستاهای محروم توان نگهداری جمعیت اضافی را ندارند و جمعیت باقی مانده در روستاها عمدتاً کسانی هستند که در بخش کشاورزی مشغول می‌باشند.

نرخ بالای نابرابری اشتغال در میان روستاهای واقع در نواحی مختلف توسعه ۴/۱۵- است که به ناحیه بسیار توسعه یافته تعلق دارد که پایین‌ترین نرخ اشتغال را به خود اختصاص داده است علت این مسئله را می‌توان در توزیع سنی جمعیت این ناحیه دانست زیرا بیشتر جمعیت این ناحیه در سن بالای ۱۵ سال واقع شده و عمدتاً در سنین فعالیت قرار دارند و باعث کاهش نسبت اشتغال در سن فعالیت شده است. از نظر سطح سواد نیز نابرابری میان روستاهای واقع در نواحی مختلف توسعه، بین ناحیه بسیار توسعه یافته و ناحیه محروم است میزان نابرابری در حد بالای سواد ۴/۹ نفر می‌باشد که به ناحیه محروم تعلق دارد. به عبارتی بالاترین سطح سواد در میان روستاهای شهرستان ارومیه متعلق به روستاهای بسیار توسعه یافته است. میزان سواد در این ناحیه برابر با ۷۳ درصد می‌باشد.

نرخ نابرابری بار تکفل نیز در میان نواحی مختلف جغرافیایی شهرستان ارومیه نشان می‌دهد که بین سطوح مختلف توسعه روستاهای شهرستان اختلاف بار تکفل زیاد نیست. بالاترین نرخ نابرابری تکفل در نواحی مختلف برابر با ۰/۳ است. به عبارتی بالاترین بار تکفل در ناحیه بسیار توسعه یافته برابر با ۳/۳ نفر است و کمترین آن به ناحیه توسعه روستایی محروم تعلق دارد بار تکفل در این ناحیه ۲/۷ نفر می‌باشد.

شاخص ضریب جینی برای بررسی توزیع مساوی شاخص‌ها بین نواحی بکار گرفته شد. بر اساس بررسی‌های انجام یافته در خصوص نحوه پراکندگی عناصر جمعیتی در نواحی خرد اکولوژیک شهرستان ارومیه می‌توان گفت که بین نواحی مختلف جغرافیایی شهرستان ضریب جینی نسبت سنی (۰/۳۲)، نسبت جنسی (۰/۳۲)، اشتغال (۰/۳۵)، جمعیت باسواد (۰/۳۶)، افراد از کار افتاده و غیر فعال (۰/۲۲) و رشد جمعیت (۰/۳) بصورت مساوی توزیع یافته است و تنها در تراکم جمعیت است که بین نواحی تساوی توزیع انجام نشده است. ضریب جینی تراکم جمعیت برابر با ۰/۸۳ است.

ضریب جینی در نواحی توسعه‌ای نیز در شاخص‌های نسبت سنی (۰/۱۱)، نسبت جنسی (۰/۰۸)، اشتغال (۰/۱۸)، جمعیت باسواد (۰/۰۵) و افراد از کار افتاده و غیر فعال (۰/۰۴) بصورت مساوی توزیع یافته است ولی ضریب جینی رشد جمعیت (۰/۳) و میانگین جمعیت روستایی (۰/۹) بصورت مساوی توزیع نیافته است.

References

- Ahmadi, S., & Tavakoli, M. (2013). Analysis of geographic location of population in village of rural settlements case study: Central section of sardasht township. *Human Resource Planning Studies*, 33, 58- 41. (In Persian)

- Anabastani, A.A., Mohammadi, S.A., Rousta, M., Sayadi Abgoli, M., & Avarideh A. (2014). The role of village management in the stability of the population of rural settlements (Case study: Meymand Branch of Fars), *Planning of Human Settlements*, 28, 72-59. (In Persian)
- Ashofthe Tehrani, A. (2002). *Demographics and demographic analysis*. Tehran: Gostareh Publications. (In Persian)
- Azarad, N., Salmani, M., Motie Langroodi. S.H., & Roknodin Eftekhari. A. (2010), Social network analysis with emphasis on the final population flow in Firozkooh, *Human Geographic Research*, 74-89. (In Persian)
- Azizpour, F., Riahi, V., Tagiloo, A.A., & Karimi, K. (2017). Disaster management and rural vulnerability (Case study Urmia County). *International Journal of Science and Research*.
- Brown. D.L. and Kai A.S. (2002). Population deconcentration in Hungary during the post-socialist transformation. *Journal of Rural Studies*, 18, 233–244.
- Etaat, J. (2011). Society and sustainable development in Iran. *Journal of Research in Social Welfare*, 11(4), 7-36. (In Persian)
- Ghasemi, N. (2015). *Investigation and analysis of the impact of demographic and activity dimensions on spatial structure in west Azarbaijan Province*. Master's Thesis, Tarbiat Modares University, Art Department. (In Persian)
- Gheysarian, E. (2009). Survey of social, economic dimensions of old age in Iran, *Population Quarterly*, 4, 1-26. (In Persian)
- Heydari, S., Zanjani, H., & Saroukhani, B. (2015). Globalization, Modernization and Demographic Policies in Iran (Before the Revolution, from 1963 to 1976. *Journal of Welfare and Social Development Planning*, 24, 85-127. (In Persian)
- Liua, Z., Shenghe. L., & Haoran J. (2017). Rural population change in China: Spatial differences, driving forces and policy implications. *Journal of Rural Studies*, 51, 189–197.
- Molaei Hashjin, N. (2007). Spatial distribution pattern of the population in the Southwest of the Caspian Sea (1966-2005). *Geographical Research*, 59, 1-19. (In Persian)
- Muilu, T., & Rusanen, J. (2003). Rural young people in regional development—the case of Finland in 1970–2000. *Journal of Rural Studies*, 19(3), 295-307.
- Muyanga, M., & Jayne, T. S. (2014). Effects of rising rural population density on smallholder agriculture in Kenya. *Food Policy*, 48, 98-113. Nazari, A.A. (2003). The study of the causes and effects of rapid population growth and its undesirable role in socio-economic development of Iran, *Geographical research*, 44, 31-40. (In Persian)
- Papoli Yazdi, M. H., & Ebrahimi M.A. (2003). *Rural development theories*. Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Potosyan A.H. (2017). Geographical features and development regularities of rural areas and settlements distribution in mountain countries. *Annals of Agrarian Science*, Available online 11 February 2017.
- Pour Ahmad, A., & Soltani. N. (2000). The effect of the rural population's transformations in the spring of 1956 to 1996 on the spatial and spatial structure of the area. *Geographical Research*, 38, 85-96. (In Persian)

- Rabbani, R., Nazari, J., & Mokhtari, M. (2011). Sociological explanation of the function of urban parks (Case study of Isfahan Parks). *Urban and Regional Studies and Research*, 3(10), 111-134. (In Persian)
- Rezaei, M., Parovi, L., & Mohammadpour, A. (2013). Modernization, family and demographic experiential experiences in Kurdistan. *Journal of Iranian Society of Demography*, 8(16), 167-139. (In Persian)
- Seyyed Mirzai, S.M. (1998). Demographic transition theory and its economic and social consequences. *Social Sciences Letter*, 12, 69-89. (In Persian)
- Smailes, P. J., Argent, N., & Griffin, T. L. (2002). Rural population density: its impact on social and demographic aspects of rural communities. *Journal of Rural Studies*, 18(4), 385-404. Statistics Center of Iran (2011). *Population and Housing Census of Urmia*. (In Persian)
- Taghdisi, A., & Shapur Abadi, M.A. (2012). Migration and aging of the rural population of Iran: Challenges for rural development. *Journal of Geographic Research*, 27(1), 133-164. (In Persian)
- Taghdisi, A., & Boshag, M. R. (2010). Agricultural challenges and their impact on rural population, emphasizing on changes in surface area. *Journal of Researches of the Village*, 1(2), 137-160. (In Persian)
- Taleshi, M., & Amir Fakhrian, M. (2012). Application of quantitative patterns of spatial analysis of population in rural settlements. *Rural Research*, 3(4), 105-128. (In Persian)
- Verasati, A. Ahmadian, M. & Ranjbaran. B. (2011). An analysis of the population of the Country of India. *Journal of Subcontinent Studies*, 3(9), 149-175. (In Persian)
- Yang, R., Xu, Q., & Long, H. (2016). Spatial distribution characteristics and optimized reconstruction analysis of China's rural settlements during the process of rapid urbanization. *Journal of rural studies*, 47, 413-424.
- Yasouri, M. (2006). Survey of demographic developments and rural development strategies in Khorasan Province. *Geography and Regional Development*, 7, 18-32. (In Persian)
- Zamani, F. (2009). The importance of demographics in land planning, emphasizing the study of provincial immigration. *Journal of Population*, 6, 107-132. (In Persian)
- Zanjani, H. (2010). Key factors in rural development from a demographic point of view. *Journal of Village and Development*, 13(4), 1-26. (In Persian)
- Zarabi, A., & Mousavi, M. (2010). Spatial analysis of population distribution and distribution of services in urban areas of Yazd. *Journal of Geographic Research*, 97, 27-46. (In Persian)

How to cite this article:

Taghiloo, A.A., Anabestani, A.A. & Roknoddin Eftekhari, A. (2019). Rural costal tourism development strategies in Guilan Province. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 14(1), 35-53.
http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_665120_en.html

Analysis of Rural Population Structure in Regions of Urmia City

Ali Akbar Taghiloo

Associate Professor, Dep. of Geography, Urmia University, Urmia, Iran

Ali Akbar Anabestani

Professor, Dep. of Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Reza Khosrobeygi

Assistant Professor, Dep. of Geography, University of Sabzevar, Sabzevar, Iran

Received: 08 November 2015

Accepted: 29 April 2018

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The need for precise and effective planning is the recognition of the characteristics of the area, especially demographic characteristics, because each program that is developed for the development of the area is for the population and increase its welfare, and recognizing the characteristics of the population in terms of dispersion, employment, literacy, sexual composition, and The age composition of the population is a prerequisite for the success of the rural development program. Population dispersion in geographic space can be examined from two dimensions: population dispersion per unit area, and other population deployment in rural areas, which is essential for understanding the spatial organization and the pattern of rural population deployment. Regarding the diversity of ecological resources and its distribution in the rural geographical area of Urmia, it reflects a different population in rural areas. On the other hand, the drying of Lake Urmia and its effects on the rural villages of the coast, a change in their demographic changes has occurred, and requires studying the changes and population structure for planning.

Methodology

The research method is analytical-explanatory and comparative. This study examines the distribution and dispersion of the variables of rural population building at the level of villages, districts and inter-regional areas. Therefore, two types of regionalization were done for analysis, explanation and comparison in Urmia. Area based on the level of development and zoning based on ecological capability.

In order to determine the ecological potential of the Urmia area, indicators such as soil quality, water content, salinity, vegetation and cropping patterns were used. Then, population distribution and demographic characteristics such as literacy rate, employment rate, age ratio, sex ratio, and the Dependency ratio and population growth in rural areas were analyzed based on the sub-regions and the rural population was analyzed in terms of dispersion in these areas.

For analyzing, explaining and comparing the changes and the distribution of rural population in Urmia, we used indices of relative density of population, average population of villages, comparative inequality index, and Gini coefficient index.

Result and Discussion

Distribution and distribution of population indices in different developmental regions do not differ significantly. The ratio of age in each geographic region of development indicates that the age group less than 30 years old is distributed differently in different areas.

In terms of sexual ratio, the highest and lowest rates are 105 and 98.7 percent, respectively, in the development areas of the highly developed villages and deprived areas. The highest rate of inequality in the distribution of men and women in the two different sex groups is 3.5.

Also, the results of the survey show that the highest percentage (44.7%) is in the deprived villages. This indicates that the deprived villages do not have the capacity to maintain additional populations, and the remaining population in the villages is mostly those engaged in agriculture. In terms of literacy, inequality between villages located in different developmental areas is also between the highly developed and deprived areas. The inequality rate is high at the 4.9 literacy rate that belongs to the deprived area.

The inequality relative dependency index load among various geographical regions of Urmia shows that there is not much difference between the different levels of development of villages in the city. The highest disparity rate in different regions is 0.3.

The results of the population growth survey indicate that the population growth rate of the villages follows the development level of the villages. According to the results of the analysis, the higher the level of rural development, the higher the population growth rate has experienced.

Distribution and dispersion of demographic indices in different natural areas is a different distribution. The ratio of age in each geographic region indicates that the age group less than 30 years old is distributed differently in different regions.

In terms of sexual ratio, the highest and lowest numbers are 113 and 98.1 percent, respectively, in the areas of tree and vineyard complexes, and mixed areas of pasture and dry land use.

The status of the districts in terms of employment is such that villages located in a poorly covered area with 41% and villages in mixed areas of aquatic and garden lands with 39.7% of the situation are favorable to other areas.

The inequality relative dependency index load among various geographical regions of Urmia shows that there is a high difference between the villages in ecological sub-areas of the city. The highest disparity rate in different regions is 0.9.

The Gini coefficient index for how the population of less than 30 years of age and over 30 is distributed among different regions is equal because the Gini coefficient index (0.32) is close to zero for the age ratio and shows that among the areas in terms of distribution There is no big difference between of the young population, the middle aged and the elderly.

Conclusion

Reducing the rural population is a major issue that has engaged the minds of planners and experts. But another issue that exists is the issue of population distribution that reflects the performance of the spatial management system of development and the conditions of natural resources. Distribution and distribution of population indices in different developmental regions do not differ significantly. The ratio of age in each geographic region of development indicates that the age group less than 30 years old is distributed differently in different regions, but the assumption of young population's dominance in terms of increasing rural development levels is unacceptable. Because ratio of age in the highly developed villages and the deprived villages is 74.6% and 74.7%, respectively, indicating that in developed and developed villages they are less developed and deprived of the elderly population. Among the various geographical areas of development, the developed and less developed regions with the proportion of the age of 76.2 percent are the youngest region. In terms of sexual ratio, the highest and lowest rates are 105 and 98.7 percent, respectively, in the areas of development of highly developed villages and deprived areas. The highest rate of inequality in the distribution of the two sex groups of men and women is 3.5 between the different developmental regions, which is necessary to transfer the balance from the developed area to the deprived areas. Also, the results of the survey show that the highest percentage (44.7%) is in the deprived villages. This indicates that the deprived villages do not have the capacity to maintain additional populations, and the remaining population in the villages is mostly those engaged in agriculture.

The high rate of inequality of employment among villages located in different areas of development is 4.15, which belongs to the highly developed area. This area has the lowest

employment rate. The reason for this issue can be seen in the distribution of the age of the population in this area. Because the majority of the area is over 15 years of age and is mainly active in ages, it reduces the proportion of working Age of activity. In terms of literacy, inequality between villages located in different developmental areas is also disproportionate between the highly developed area and the area. The inequality rate is 4.9 in the high literacy rate that belongs to the deprived area. In other words, the highest level of literacy among the villages of the city of Urmia belongs to the highly developed villages. The literacy rate in this area is 73%.

Keywords: population structure, ecological regions, regional development, inequality, distribution of population, the city of Urmia